

جمهوری اسلامی و عاشورای تورنتو

اصغر کریمی

صفحه ۲

حمله به موصل و اهمیت و پیامدهای آن

گفتگوی کانال جدید با حمید تقوایی

صفحه ۳

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۶

درباره قانون کار

دو پرسش از علی جوادی

صفحه ۴

موصل: داستان قرن وارونه ما

کاظم نیکخواه

صفحه ۸

کارزار علیه احکام امنیتی علیه فعالین کارگری، معلمان و مردم معترض

۱۱ سال حکم زندان برای جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد و
رد درخواست اعاده دادرسی جعفر عظیم زاده

صفحه ۱۰

Securitizing Workers', Teachers', and the General Public's
Protests in Iran should be stopped
Free Them Now

Campaign To Free Jailed Workers In Iran

Jafar Azimzadeh
Esmail Abdi
Mahmoud Beheshti
Behnam Ebrahimzadeh

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۸۳

جمعه ۳۰ مهر ۱۳۹۵، ۲۱ اکتبر ۲۰۱۶

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

رشد فقر غذائی

در حکومت اسلامی مفتخورها!

آیات شیطانی!

"ضد امنیتی" بودن نفس زندگی!

صفحه ۵

بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد لایحه

اصلاح قانون کار:

اصلاحیه قانون کار باید به زیاده دان

انداخته شود

صفحه ۸

معلمان بازنشسته باز هم به

خیابان آمدند

صفحه ۲

کمک مالی به حزب

صفحه ۹



WE STILL NEED **MARX**
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wpiran.org

جمهوری اسلامی و عاشورای تورنتو

اصغر کریمی

یکی از رسانه های جمهوری اسلامی در دو گزارش جداگانه به آکسیون کمونیست ها در مقابل مراسم عاشورا در تورنتو پرداخته و گفته است "مخالفان نظام اسلامی و کمونیست ها از بیم این که مذهب تشیع روز به روز در این کشور با استقبال بیشتری مواجه شود از هفته ها پیش دست به اقدام ردیالته ای زدند و تصمیم گرفتند که در این روز به خیابان ها بیایند و با رقص و پایکوبی یزیدیان دوران را شاد کنند". در جای دیگری میگوید "جمعی از سلطنت طلبان و اعضا حزب کمونیست کارگری با هلهله شادی کشیدن و پوشیدن لباسهای رنگی عزاداران را تمسخر و با شعار

مرگ بر جمهوری اسلامی مراسم مسلمانان شیعه را حمایت از نظام اسلامی دانستند. این تصاویر یادآور عاشورای سال ۸۸ در تهران است که جمعی از یزیدیان دوران با حمایت اربابان غربی خود به اغتشاش و آتش زدن هیات های عزاداری پرداختند و تا توانستند به شعار حسینیه اهانت نمودند و این بار وارثان آن افراد در سال ۹۵ در کانادا این مراسم را به نوبه خود زنده نگه داشتند".

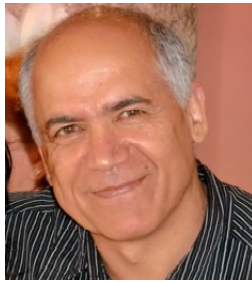
ترکیب شرکت کنندگان در این مراسم حکومتی علاوه بر افرادی از دیگر کشورهای اسلامزده، عده ای هم ایرانی هستند که بقول یبی محمودی آقازاده ها و وابستگان حکومت و برخی از همان لباس شخصی های حکومت اند که در ایران ثروت انبوهی به هم زده اند و در

خارج کشور نیز سرمایه گذاری های زیادی دارند. از همان جنس يك درصدی های مفتخور در ایران که منفور عام و خاص هستند و مخالفین جمهوری اسلامی به درست به تمسخر آنها دست زدند. دستشان درد نکند.

در مورد صحت این ادعا که "مذهب تشیع روز به روز با استقبال بیشتری مواجه میشود" باید از آیت الله های جمهوری اسلامی سنوآل کرد که سالهاست آه و فغانشان از گسترش بی دینی و بی حجابی و بی روقتی مساجد و حسین پارتی ها به هوا بلند شده است. البته داعش هم ادعای مشابهی دارد. تعدادی توریست و بمب گذار به کشورهای غربی فرستاده و در حال رشد! بوده است. جمهوری اسلامی هم در دهه

های ۶۰ و ۷۰ توریست هایش را به قبرس و آلمان و فرانسه و اتریش فرستاد و تعدادی از فعالین اپوزیسیون را به قتل رساند اما الان که در موقعیت قبلی نیست آقازاده ها و میلیاردها و مداحانش را به خارج فرستاده است!

اما جالب ترین نکته رسانه حکومتی، مقایسه عاشورای تورنتو با عاشورای ۸۸ تهران است و اینکه کمونیست های تورنتو وارثان مخالفین حکومت در عاشورای ۸۸ تهران هستند. عاشورای سال ۸۸ در تهران ادامه حضور ۴ میلیون مخالف حکومت در خرداد آن سال بود و جمهوری اسلامی را به مرز سرنگونی نزدیک کرد. به این معنی این رسانه حکومتی بیراه نگفته است! کمونیست های ایرانی در



تورنتو به جنبش اکثریت مردم برای سرنگونی حکومت اسلامی در ایران کاملاً وصل هستند و اقدام آنها در تورنتو مورد استقبال گرم اکثریت مردم ایران که به اشکال مختلف برای سرنگونی حکومت سرکوب و عزا، تلاش میکنند قرار خواهد گرفت. این "افشاگری" نشریات حکومتی تنها نشانه استیصال حکومت و نفوذ اجتماعی کمونیستها است. ما از این نوع افشاگریها استقبال میکنیم!

معلمان بازنشسته باز هم به خیابان آمدند

امروز ۲۶ مهرماه معلمان بازنشسته در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند و بر خواست های خود از جمله حقوق بالاتر از خط فقر یعنی سه و نیم میلیون تومان و لغو امنیتی کردن اعتراضات و لغو پرونده معلمان معترض تاکید کردند و اعلام کردند تا زمانی که به خواست هایشان رسیدگی نشود به اعتراضات و تجمعات خود ادامه خواهند داد. در داخل سالن سازمان برنامه و بودجه نیز فضای بازنشستگان شدت اعتراضی بود.

بازنشسته دست به تجمع در مقابل کانون بازنشستگان این شهر زدند. در قزوین نیز تجمع مشابهی برگزار شده است.

بر پلاکاردهای معلمان در تهران و یزد نوشته شده بود: «خط فقر سه میلیون و نیم حقوق بازنشستگان یک میلیون»، «ما با این حقوق از همان بازاری خرید میکنیم که مدیران با حقوق نجومی خرید میکنند»، «زندگی شرافتمندانه حق مسلم ما است»

معلمان شعار میدادند: اگه صندوق خالیه اینهمه اختلاس چیه اگه صندوق خالیه اینهمه دزدی چیه عدالت عدالت نویخت خجالت خجالت منزلت، معیشت، سلامت حق مسلم ما است حقوق ما ریالیه خرج ما دلاریه بیمه رایگان برای بازنشستگان مشکل ما حل نشه بزودی برمیگردیم و خطاب به نویخت شعار میدادند: نویخت بیا پایین! اگر من نبودم تو وزیر نبود! اگر من نبودم تو پشت میز نبود! و سرنشینان اتومبیل ها

با بوق زدن و دست تکان دادن با بازنشستگان ابراز همبستگی میکردند.

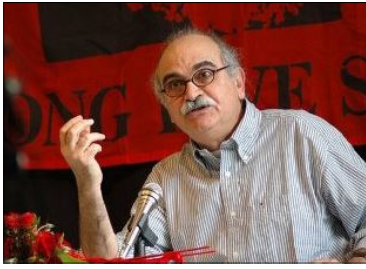
در تجمع امروز قطعنامه ۶ مهر مجدداً قرائت شد. از جمله بندهای این قطعنامه افزایش دستمزدها بالاتر از خط فقر و رفع امنیتی کردن آموزش و پرورش و لغو پرونده های معلمان است.

یکی از بازنشستگان در این تجمع در گزارشی به حزب میگوید: بازنشستگان خشمگین را به داخل ساختمان برنامه و بودجه دعوت کردند. حدود ۵۰۰ نفر از بازنشستگان با راهپیمایی و صفوفی منظم به داخل رفتند و وارد سالن آمفی تئاتر شدند. نویخت معاون روحانی و رئیس سازمان برنامه و بودجه شروع به صحبت های تکراری کرد. اما با خشم و اعتراض معلمان مواجه شد. بازنشستگان با شعار دروغه، دروغه؛ صحبت های او را قطع کردند. بازنشستگان مانند نارنجک جنگی بودند. نویخت مجبور شد میکروفون را مقابل بازنشستگان قرار بدهد. تعدادی از بازنشستگان زن و مرد هر کدام گوشه ای از اعتراض و خواست های

بدهد. پاسخ یکپارچه بازنشستگان اما این بود که اینها برای ما نان و آب نمیشود اگر مشکلمان حل نشود بزودی برمیگردیم و سالن را ساعت ۳ بعدازظهر ترک کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران ۲۶ مهر ۱۳۹۵، ۱۷ اکتبر ۲۰۱۶





حمله به موصل و اهمیت و پیامدهای آن

گفتگوی کانال جدید با حمید تقوایی

کاظم نیکخواه: امروز بحثی داریم در مورد حمله نظامی ای که به موصل شروع شده است توسط ارتش عراق و نیروهای پیشمرگ از اقلیم کردستان و ائتلافی از نیروهای ویژه آمریکا و انگلیس و فرانسه که از طریق حملات هوایی کمک میکنند. همچنین گفته میشود که دولت ترکیه هم نیروهایش را به اطراف موصل گسیل کرده است که تنش هائی را با دولت عراق بدنبال داشته است. این عملیاتی هست که از مدتها پیش بحثش در جریان بوده است و اینجا میخواهیم با حمید تقوایی در این رابطه گفتگویی داشته باشیم.

حمید تقوایی فکر میکنید این عملیات نظامی که تبلیغات وسیعی در موردش صورت میگردد چه اهمیتی دارد و تا چه حد میتواند موفق بشود؟

حمید تقوایی: فکر کنم اهمیت این حمله روشن باشد چون داعش از زمانی که مناطقی را تسخیر کرد و بعنوان يك دولت عرض اندام کرد یکی از عوامل و فاکتورهای اصلی به هم ریختن شرایط منطقه و جنایتهائی بوده است که نیروهای اسلامی انجام داده اند. و این هم فقط به عراق محدود نبوده است. در سوریه و در لیبی نیروهای داعش فعالند و هر جا قدم گذاشته اند جز جنایت و فاجعه نیافریده اند. یکی از مهمترین پایگاههای داعش موصل است. در واقع آنچه به داعش اجازه میدهد خود را دولت اسلامی اعلام کند اساسا تسخیر موصل و اعمال حاکمیتش بر این دومین شهر بزرگ عراق هست. اکنون مدت دو سال است شهر در دست داعش است. عملیات نظامی و جنگی که شروع شده در صورتی که بتواند موفق بشود و شهر را باز پس بگیرد، که به احتمال زیاد چنین خواهد شد، در شرایط و توازن سیاسی و ترکیب نیروهائی که در

منطقه الان در مقابل هم صفیندی کرده اند تاثیرات زیادی خواهد داشت. به همین دلیل هم تقریباً همه این نیروها در این عملیات درگیر و دخیل هستند و هر يك از آنها سعی میکند با دست بالا پیدا کردن در این عملیات بعد از شکست داعش در موصل موقعیت محکم تری داشته باشد. میخواهم بگویم در وجود داعش و بخصوص سلطه اش بر موصل به نوعی میتوانی برآیند نیروها و توازن قوا بین نیروهای مختلف را در منطقه ببینید و بهمین اعتبار بازپس گرفتن موصل از داعش کل این شرایط را عوض خواهد کرد.

کاظم نیکخواه: اشاره کردید به جنایات و عملکرد فجیعی که داعش در دو سال گذشته داشته است. آیا شما حمله به داعش و بیرون راندنش از موصل را مثبت ارزیابی میکنید؟

حمید تقوایی: به نظر من هر تحولی که باعث بشود موصل از دست داعش خارج بشود تحول مثبتی است. هم از نظر سیاسی و هم از نظر انسانی. از نظر سیاسی به این خاطر که داعش يك نیروی عمده اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی در نه تنها عراق بلکه در منطقه و در کل دنیا است. از دست دادن موصل ضربه مهلکی به داعش وارد خواهد کرد. به نظر من با بازپس گرفتن موصل سیر نزولی داعش شروع میشود. و به این اعتبار کل جنبش اسلام سیاسی به قهقرا خواهد رفت. به این دلایل شکست داعش در موصل يك تحول سیاسی مثبت است. از نظر انسانی هم این تحول مهمی است، و شاید اساس اهمیت بازپس گیری موصل از این نقطه نظر باشد. به مدت دو سال داعش جنایتهائی در موصل مرتکب شده است که در تاریخ کم نظیر است. از کشتار ایزدی ها و کلا همه کسانی که به اسلام نوع

داعش معتقد نیستند تا وضعیتی که برای زنان بوجود آورده است - از جمله جهاد نکاح براه انداخته اند، زنان را به عنوان کنیز جنسی میفروشد یا در اختیار جنگجویان داعشی قرار میدهند و زنانی که به این امر تن نمیدهند را دسته دسته اعدام میکنند - و تا گردن زدن و زنده سوزاندن افراد اینها نمونه هائی از جنایات و فجایعی است که ما تنها از بخشی از آنها باخبریم. ولی همین حد هم حاکی از یکی از فجیع ترین کشتارهای تاریخ معاصر است. بیش از دو سال است که مردم موصل در يك جهنم به تمام معنا زندگی میکنند و نجات از این جهنم از نظر انسانی بسیار مهم است. در این مدت تعداد زیادی کشته شده اند، تعداد زیادی از شهر فرار کرده و آواره شده اند و آنها هم که زنده مانده اند و نتوانسته اند شهر را ترک کنند تحت انواع فشارها قرار گرفته اند. مثلاً حتی مردانی که ریششان را میتراشند با شلاق و تعزیر و غیره مواجه میشوند. این وضعیت فاجعه بار و دهشتناکی است که بیش از دو سال است مردم موصل با آن دست بگریبانند. بدون تردید از نظر انسانی هم شکست داعش تاثیر مثبتی بر زندگی هر روزه مردم شهر خواهد داشت.

کاظم نیکخواه: ولی نیروهائی که قرارست موصل را آزاد کنند، لاقول نیروهای اصلیشان مثل دولت آمریکا و دولت عراق و دولت ترکیه، خود بنا به دلائل و شواهد زیادی تولید کننده و ایجاد کننده داعش بوده اند و شرایط و فضائی ایجاد کردند که موجب شکلگیری داعش شد. الان هم در بین این نیروها جنگ و جدال و کشاکشی وجود دارد که معلوم نیست چه آینده ای خواهد داشت. نظر شما در این مورد چیست؟

حمید تقوایی: این روشن است که

نیروهائی که به موصل حمله میکنند هیچیک بخاطر اهداف انسانی و یا بخاطر نجات مردم نیست که دست به این حمله زده اند. هر يك اهداف و سیاستهائی دنبال میکنند که کاملاً ارتجاعی است. این نکته هم که اشاره کردید کاملاً درست است و ما هم بارها این را گفته ایم و توضیح داده ایم و مستدل نشان داده ایم که دولت آمریکا و متحدینش مستقیم و یا غیر مستقیم در ایجاد نیروهای اسلامی از جمله داعش نقش داشته اند. از نظر سیاسی در يك سطح عمومی داعش و همه نیروهای اسلامی که الان در منطقه افسار گسیخته بجان مردم و بجان همدیگر افتاده اند همه حاصل وضعیتی هستند که بعد از یازده سپتامبر با حمله دولت آمریکا و متحدینش به افغانستان و عراق شروع شد. بدنبال این تهاجم نظامی این نیروهای اسلامی ابتدا در عراق و بعد در مناطق دیگر، در کشورهای دیگر خاورمیانه و در شمال آفریقا، سربلند کردند و با پرچم مقابله با آمریکا و شیطان بزرگ و نوعی مستضعف پناهی ب میدان آمدند. داعش بر چنین زمینه ای شکل گرفت. اگر کمی به گذشته برگردیم می بینیم حتی در ایجاد طالبان در افغانستان و روی کار آمدن خمینی و حکومت اسلامی در ایران هم دولتهای غربی و مشخصاً آمریکا نقش مستقیم داشتند. در ایران برای کوبیدن انقلاب ۵۷ خمینی را بعنوان رهبر انقلاب علم کردند و در افغانستان هم برای مقابله با نفوذ شوروی در آن زمان طالبان را ساختند. میخواهم بگویم تاریخاً حتی ریشه های سربلند کردن نیروهای اسلامی بر میگرده به نقشه هائی که دولت آمریکا داشت برای ایجاد کمربند سبز بدور شوروی. بعد هم با حمله بوش پدر و بوش پسر به منطقه زمینه ای ایجاد شد برای بمیدان

آمدن انواع نیروهای اسلامی. در این شرایط نیروئی مثل داعش شکل گرفت و به فاکتور مهمی در بلوکبندیهای منطقه که محصول این خلاء بود - از یکسو عربستان و ترکیه و قطر و از سوی دیگر جمهوری اسلامی و سوریه و روسیه - تبدیل شد. بطور مشخص داعش محصول شکست میلیتاریسم آمریکا در منطقه است و خلاء قدرتی که در منطقه ایجاد شد. نیروهائی که الان به موصل حمله کرده اند نیز همه در چنین شرایطی بجلو رانده شده اند.

کاظم نیکخواه: چنین نیروهائی چطور میتوانند يك اقدام مثبتی به نفع انسانیت انجام بدهند؟

حمید تقوایی: مستقل از اینکه این نیروها ماهیت و هدفشان چیست اگر يك محصول کارشان این باشد که داعش را از موصل عقب برانند این به دلایلی که اشاره کردم تحول مثبتی است. سیاست و اهداف این نیروها مسلماً رهائی مردم موصل نیست و مردم این شهر بعد از خروج داعش هم يك جامعه آزاد و برابر و مرفه نخواهند داشت. در این تردیدی نیست. حتی ممکن است جنگهای دیگری بین نیروهای پیروز بر داعش بر سر سلطه بر موصل در بگیرد و به احتمال زیاد اینطور خواهد شد. باز پس گرفتن موصل از داعش به معنی حتی ختم جنگ بین این نیروها نیست. تازه دور جدیدی از جنگ و کشمکش شروع خواهد شد. ولی بحث بر سر این نیست. مساله اینست که همین امروز هم این جنگ و کشمکش را شاهد هستیم. اینطور نیست که با حمله به موصل این نیروها بجلو آمده اند و مقابل همدیگر قرار گرفته اند. ادعاهائی که دولت ترکیه دارد، صفیندی که عربستان سعودی و جمهوری اسلامی در مقابل همدیگر دارند،

درباره قانون کار

دو پرسش از علی جوادی



انترناسیونال: چرا باید قانون کار وجود داشته باشد؟

علی جوادی: قانون کار در جوامع کنونی محصول تلاش طبقه کارگر جهانی در مقابله با استثمار وحشیانه و عنان گسیخته سرمایه داری است. یک سپر دفاعی است. چتری است برای جلوگیری از سقوط به اعماق. تلاشی است برای دفاع از جان و زندگی طبقه کارگر در برابر حرص و آز سرمایه. تلاشی برای بهبود شرایط کار و زندگی طبقه کارگر است. قانون کار حتی در شکل کنونی اش یک دستاورد جنبش کارگری در مقابله با شرایط برده‌واری است که سرمایه از ابتدای تولد خونین اش بر کارگر تحمیل کرده است. ۴۰ ساعت کار در هفته، ممنوعیت کار کودکان، حق انعقاد قرارداد دسته جمعی، حق تشکل و تجمع، حق اعتصاب، ایمنی محیط کار، میزان فراغت و مرخصی، برخورداری از بیمه بیکاری، بیمه بازنشستگی، حقوق برابر برای زن و مرد در ازا، کار مشابه، ... این اقدام تنها بخشی از مطالبات و حقوقی است که طبقه کارگر در گوشه و کنار جهان با هزاران تلاش بر سرمایه تحمیل کرده است.

بمنظور پی بردن به ضرورت حیاتی قانون کار، برای یک لحظه تصور کنید که اگر همین قانون کار دست و پا شکسته در گوشه و کنار جهان تثبیت نمیشد، طبقه کارگر در چه شرایط وحشتناکی کار و زندگی میکرد. به شرایط و محیطهای کار در فیلمهای دوران عروج و استقرار سرمایه داری نگاهی سریع

بیندازید، گوشه‌هایی از واقعیت خشن زندگی کارگر را منعکس میکنند. سرمایه دار با سرمایه اش انباشت میکرد، کارگر برای بقاء ناچار به فروش نیروی کار بود تا معاش و سرپناهی برای خانواده کارگری فراهم کند، و در هر روز کاری عمر خود را بسیار بیشتر از یک روز کوتاه میکرد. مرگ زودرس حاصل اجتناب ناپذیر چنین پروسه ای بود. کارگر هستی و زندگی اش را با سرعت بیشتری از دست میداد. اگر قانون کاری نبود، کارگر ناچار بود به هر شرایطی برای تامین کار و معاش تن دهد. یا گرسنه بماند یا تماماً تسلیم شرایط سرمایه شود. اگر قانون کاری نبود که جلوی توحش سرمایه را سد کند، کارگر تنها با قربانی کردن جسم و جانش میتوانست زندگی کند. اگر قانون کاری نبود، کارگر نیز تماماً یک ابزار کار بود، نه احساسی داشت، نه نیازی داشت، نه عواطف خاصی داشت، نه خانواده ای داشت، و نه اساسا انسانی قلمداد میشد. اگر قانون کار وجود نداشت، کودکان کار يك استثناء در نظام سرمایه داری نبودند، قاعده ای عمومی و کلی بودند. اگر قانون کار وجود نداشت، طبقه کارگر حق تشکل نداشت. حق اعتصاب نداشت. حق انعقاد قرارداد دسته جمعی نداشت. بیمه بازنشستگی نداشت و با پایان توان جسمی و قدرت کارایی و تولید سودش برای سرمایه به گوشه ای پرتاب میشد تا روزهای پایانی زندگی را در سیاهی و تنهایی به تلخی به اتمام برساند.

قانون کار يك ضرورت حیاتی مبارزه طبقه کارگر در نظام سرمایه داری معاصر است. و تا زمانیکه میانی اقتصادی جامعه بر استثمار کارگر و فروش نیروی کار و تولید سود و انباشت سرمایه استوار است، قانون کار و گسترش حقوق جهانشمول و انسانی کارگر يك رکن اساسی تلاش روزمره طبقه کارگر است.

اما مادام که مناسبات استثمارگراییانه کار مزدی بر مناسبات اقتصادی جامعه حاکم است، مادام که هر انسانی برای تامین نیازمندیهای خود ناچار به فروش نیروی کار است، مادام که نیروی کار کالایی است که در جامعه خرید و فروش میشود، مادام که هدف فعالیت اقتصادی نه رفع نیازمندیهای گسترده انسانها و آحاد جامعه بلکه تولید سود و انباشت سرمایه است، هیچ قانون کاری، تاکید میکنم، هیچ قانون کاری نمیتواند نافی چنین شرایطی ضد انسانی و استثمارگراییانه ای در جامعه باشد. قانون کاری به راستی آزاد و کارگری نیست. قانون کار در اساس تلاشی برای کنترل و ترمز گذاشتن بر توحش سرمایه داری است. اما قانون کاری تماماً کارگری قانونی متضمن نفی نظام کار مزدی است. مساله نه تنها توحش سرمایه بلکه نفس حاکمیت اقتصادی سرمایه است. باید این مناسبات را نابود کرد. باید جامعه را بر مبنای رفع نیازمندیهای همگان سازمان داد. چنین نظامی نه تنها ممکن بلکه ضرورت حیاتی وضعیت موجود است.

انترناسیونال: قانون کار مطلوب شما چه چیزهایی را باید تضمین کند؟

علی جوادی: شاخص‌ها ما برای تعیین مبانی یک قانون کار که متضمن حقوق جهانشمول کارگر در نظام موجود باشد، روشن اند. یک دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست

کارگری، مبحث مشخص و جامعی را به این مساله اختصاص داده است. "مادام و هر جا که نظام کار مزدی برقرار است، جنبش کمونیستی کارگری برای تحمیل آنچنان شرایطی به قوانین و مناسبات کار در این نظام تلاش میکند که حداکثر آسایش و رفاه ممکن و مناسب تری شرایط کار را برای کارگران تضمین کند و طبقه کارگر و کل شهروندان را از عواقب مخرب نظام کار مزدی هر چه بیشتر مصون دارد. کمونیسم کارگری در این مبارزه همچنین برای برقراری شرایط و موازین کاری تلاش میکند که ارتقاء خود آگاهی طبقاتی و تشکل و توان مبارزاتی طبقه کارگر را به بهترین شکل ممکن تسهیل نماید." اما چند شاخص در این چهارچوب حیاتی اند:

قانون کاری که آزادی کامل و بی قید و شرط تشکل و تجمع کارگران را برسمیت نشناسد، قانون کار نیست. قانون سرمایه است. کارگری که حق تشکل نداشته باشد، امتیزه شده است، فاقد هر قدرتی است. اگر سرمایه از آزادی کامل و بی قید و شرط تشکل و تجمع برخوردار است، کارگر هم باید از حق مشابهی برخوردار باشد.

اگر قانون کاری آزادی کامل و بی قید و شرط اعتصاب را به هر بهانه و تحت هر شرایطی برسمیت نشناسد، قانون کار نیست، قانون سرمایه است. مگر اعتصاب کارفرمایان بی قید و شرط آزاد نیست؟ مگر کارفرمایان در هر زمان که سودشان دچار نقصان شود، فعالیت تولیدی را به تعطیلی و اعتصاب نمیکشند؟

قانون کار باید قانونی برای همه کارگران مستقل از تابعیت، محل تولید، مذهب، جنسیت و نافی هرگونه تبعیضی در محیط کار باشد. تبعیض عاملی جهت ایجاد شکاف در صفوف طبقه کارگر است. تلاشی برای در هم شکستن همبستگی و اتحاد کارگری است.

هر قانون کاری باید متضمن برابری مزد زنان و مردان در ازا، کار مشابه باشد. شرم آور است، هنوز حتی در متن جهان سرمایه داری متوسط دستمزد زنان حدود ۷۰ درصد متوسط دستمزد مردان

است. هر قانون کاری باید تضمین کننده این مهم باشد که نماینده کارگران تعیین کننده حداقل دستمزد کارگران اند. مادام که نیروی کار در این نظام اقتصادی کالاست، کارگر نیز مانند صاحب هر کالایی باید قیمت و شرایط فروش این کالا را تعیین کند. مضحک است. خریدار کالا، خریدار نیروی کار نمیتواند تعیین کننده قیمت کالا باشد.

در هر قانون کاری که حداقل حقوق انسانی کارگر برسمیت شناخته شده باشد، باید اخراج کارگر ممنوع شود. اخراج ابزاری برای تنبیه و به تسلیم کشاندن کارگر است.

قانون کار باید تضمین کننده ایمنی و بهداشت و صدمات ناشی از محیط کار باشد. محیط کار نباید قتلگاه کارگران باشد. مگر محیط کار سرمایه داران و کارگزاران دولتی قتلگاه آنهاست؟

هر قانون کاری باید تضمین کننده بیمه بیکاری مکفی برای کارگران باشد. کارگر انسان است، دارای تمامی نیازهای انسانی است، آماده به کار است، و اگر کاری نیست، قانون کار حاکم بر جامعه باید تضمین کننده نیازهای انسانی آحاد جامعه باشد. نظام اقتصادی ای که کارگر را به خاطر نبود کار به گوشه ای پرتاب میکند، نظامی ضد انسانی است. باید جامعه را از شر چنین نظامی خلاص کرد.

آنچه تاکید کردم، مبانی اساسی يك قانون کاری است که حداقلی از حقوق جهانشمول کارگر را برسمیت بشناسد. من خواننده شما را برای بحثی همه جانبه پیرامون مبانی قانون کار به "یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری و همچنین کتاب "کار ارزان، کارگر خاموش"، میزگردی پیرامون قانون کار دعوت میکنم.

هاتبرد ۸

نگارخانه

فرکانس	ترانسپوندر
۱۱۲۰۰	۵/۶
بولوار ترانسپون	سینمیل ریت
عمودی	۲۷۵۰۰

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

رشد فقر غذائی در حکومت اسلامی مفتخورها!

به گزارش خبرآنلاین در ایران طی ۱۰ سال، فقر غذائی ۷ برابر شده است. در این گزارش که به مناسبت ۱۷ اکتبر روز جهانی فقر منتشر شده در مورد شاخصهای جهانی فقر و تفاوت میان فقر مطلق و فقر نسبی و ابهام در تعریف خط فقر و نمودارها و آمار و ارقام کارشناسانه و غیره به تفصیل بحث شده است. اما آنچه ناگفته مانده یک حقیقت ساده است: این حقیقت که در ایران حداقل دستمزد یک چهارم خط فقر رسمی ای است که خود حکومت اعلام کرده است. این حقیقت که قیمتها با شتاب سرسام آبی در حال صعودند و دستمزدها در حال رکود!

مقارن با این گزارش در مورد فقر غذائی در گزارش دیگری اعلام شد که قیمت برنج در یکسال گذشته ۵۲ درصد افزایش داشته است. همچنین قیمت هفت کالای غذائی اساسی دیگر سیر صعودی داشته است. نیاز چندانی به نمودارها و ارقام کارشناسانه نیست. دستمزد کمتر از یک چهارم خط فقر را در برابر این رشد سرسام

آور قیمتها قرار بدهید تا علت فقرغذائی در جامعه روشن بشود. مدتهاست جنبش افزایش دستمزد خواست افزایش حداقل دستمزد به میزان سه و نیم میلیون تومان و افزایش سالانه دستمزدها به نسبت نرخ تورم را اعلام کرده است. اما کارشناسان حکومت آیت الله های میلیاردی و مقاماتی که حقوق نجومی شان سر به فلک میزند این خواست کارگران را واقع بینانه و عملی نمیدانند! برای در نوردیدن خط فقر باید این مفتخورها را بزیر کشید.



"ضد امنیتی" بودن نفس زندگی!

"دوچرخه سواری بانوان جامعه را ناامن میکند" امام جمعه اصفهان

در نظر اول این گفته به دیگر اظهارات ابلهانه امام جمعه ها و مقامات حکومتی شبیه است. ادعاهائی نظیر رابطه زلزله با بدحجابی و یا نشانه های عروج مهدی از چاه جمرکان و یا هاله نور دور سر احمدی نژاد در اجلاس سازمان ملل و غیره. اینها را باید به حساب تبلیغات اسلامی گذاشت که مایه و پایه ای بجز خرافات و حماقت و تحجر فکری گویندگانش ندارد. اما در ادعای به خطر افتادن امنیت بخاطر دوچرخه سواری زنان حقیقتی نهفته است. اگر بجای امنیت جامعه امنیت نظام را قرار بدهید مساله روشن میشود.

منظور مقامات از امنیت جامعه یا امنیت ملی مانند همه حکومتهای استبدادی امنیت نظام و حکومت خودشان است. همانطور که وقتی فعالیت کارگران و معلمان برای افزایش دستمزد و حق تشکل و دیگر حقوق پایه ای خود را "اقدام علیه امنیت ملی" مینامند منظورشان اینست که امنیت حکومت اسلامی به خطر افتاده است. در اینجا نیز بحث بر امنیت و نبود نظام جمهوری اسلامی است. دوچرخه سواری زنان امنیت نظام را به خطر میاندازد چون زن سبزی یک رکن و شرط وجودی این نظام است. چون نه تنها دو چرخه سواری بلکه هر فعالیت ورزشی و هنری و اجتماعی زنان دیوارهای آپارتاید جنسی و موقعیت فرودست و تحت قیمومیت ای

که جمهوری اسلامی تلاش دارد به ۵۰ درصد جامعه تحمیل کند را درهم میشکند و پایه های حکومت را به لرزه در می آورد. چون فعالیتهای ورزشی و اجتماعی زنان، مانند هر بروز و نشانه دیگری از مدرنیسم و مدنیت و زندگی انسانی، با اساس حکومت اسلامی در تناقض است و امنیت نظام را به خطر می اندازد.

از نظر ائمه جمعه و مقامات و آیت الله های ریز و درشت حکومتی فعالیت و تلاشهای مردم بویژه جوانان و زنان برای بر خورداری از یک زندگی درخور انسان قرن بیست و یکم نوعی براندازی نرم محسوب میشود و در این هم حقیقتی نهفته است. کافی است مردم همانطور که میخواهند زندگی کنند تا نفس موجودیت جمهوری اسلامی بزیر سؤال برود. بهمین دلیل هم با هر بروز سرزندگی و آزادی داد والسلاما و هجمه فرهنگی و براندازی نرم مقامات به هوا میروند و از میکروفون نماز جمعه و رسانه های رسمی و نیمه رسمی شان به یکدیگر هشدار میدهند و برای مردم خط و نشان میکشند. داد و فغانی که روز بروز به عجز و لابه و ابراز استیصال نزدیکتر میشود.

راه برون رفتی برای حکومت وجود ندارد. وجود جمهوری اسلامی با نفس زندگی انسانی در تناقض است و این سرزندگی و پویایی و نشاط زندگی است که کل نظام متحجر جمهوری اسلامی را هر روزه به چالش میکشد و آنرا به آستانه سقوط نزدیک و نزدیکتر میکند.

آیات شیطانی!

در خبرها بود که شخصی بنام حاج سعید طوسی قاری بین المللی، رتبه اول در مسابقات جهانی قرائت قرآن، و کارشناس مسئول نوجوانان جامعه قرآنی کشور در شوراب عالی قرآن که زیر نظر بیت رهبری اداره میشود، به دانش آموزان قرائت قرآن تجاوز جنسی کرده است. بیش از ده جوان و نوجوان که مورد تجاوز قرار گرفته اند با ارائه مدارک و شواهد، از جمله توبه نامه به خط معلم قرائشان و اظهاراتی که مخفیانه ضبط شده، از وی شکایت کرده اند. این شکایتنامه ها بیش از ۵ سال است که در دالانهای دستگاه قضائی سرگردان است و به جائی نرسیده است. به گفته شاکیان طبق دستور مقام رهبری پرونده مسکوت گذاشته شده است و قرارست متهم را تبرئه کنند. بنا به گفته خود سعید طوسی که یکی از شاکیشان مخفیانه ضبط کرده است "این پرونده مختومه است ... خود حضرت آقا می داند و کاملاً در جریان است؛ ولی از بس سیستم قضایی ما مشکل دارد، برای همین است که دو سه سال است قضیه دارد پیچ می خورد. حضرت آقا به آقای لاریجانی فرمودند که پرونده را جمع کنید." البته يك دليل این توصیه "حضرت آقا" خطر بمیان کشیده شدن پای مقامات و حاج آقا ها و آیت الله های دیگر است. خود حاج آقا طوسی صریحا تهدید کرده است که "اگر مرا محکوم کنند، حداقل صد نفر را با خود پایین می کشم." معمولاً در افکار عمومی این نوع رسوائیهای مقامات مذهبی مغایر با اخلاقیات و اعتقادات مذهبی مرتکبین اش تلقی میشود اما واقعیت بر عکس است. در اسلام از دواج با دختر بچه ها، یعنی

تجاوز جنسی به آنان رسماً مجاز اعلام شده است. خمینی حتی در مورد مجاز بودن سوء استفاده جنسی از نوزادان رساله دارد! تجاوز به نوجوانان پسر نیز يك رسم و سنت دیرینه در حوزه های علمیه است که اکنون با در حکومت قرار گرفتن اسلام در جامعه گسترش یافته. این رسم البته تنها به اسلام محدود نیست. تجاوز به پسر بچه ها يك عملکرد قدیمی کشیشان کاتولیک نیز هست. سالها پاپ و سایر مقامات واتیکان، مانند عملکرد امروز خامنه ای و بیت رهبری، تلاش کردند بر این سنت دیرینه کلیسای کاتولیک سرپوش بگذارند اما بالاخره به همت خانواده قربانیان این تجاوز حقیقت برملا شد و پاپ ناگزیر شد از این بابت "معذرتخواهی" کند! تفاوت بین اسلام و مسیحیت در اینجاست که اسلام در ایران در حاکمیت است و تجاوز جنسی به کودکان مورد حمایت رهبر نظام و کل دستگاه حکومتی قرار دارد. این نظام و دستگاهی است که حقانیت خود را از قوانین اسلامی کسب میکند. بین معنویات اسلامی و عملکرد آیت الله ها و حاج آقاهاائی نظیر سعید طوسی تناقضی نیست. آیات متعدد قرآن به تجاوز جنسی، از صیغه و ازدواج با دختران نه ساله تا محرومیت زن از حق طلاق و اجبار او به تمکین از شوهر، مهر تأیید میزند. اینها همه از مصادیق تجاوز جنسی است که در هاله مذهب پیچیده شده و تقدس و مشروعیت یافته است. حاج آقا طوسی ها محصول و نتیجه آموزشهای مذهبی هستند. الهام بخش تجاوز جنسی قاری قرآن همین نوع آیات شیطانی بوده است.



کارگران در هفته ای که گذشت

شهادت دانشفر

هفته ای که گذشت، دو حرکت اعتراضی روزهای ۲۶ و ۲۷ مهر ماه، یعنی تجمع صدها معلم بازنشسته و جمع هایی از کارگران در مقابل مجلس با شعارهایی علیه فقر، علیه تبعیض و برای داشتن يك زندگی انسانی، ویژه بود و بطور واقعی فریاد اعتراض کارگران و کل جامعه را نمایندگی میکرد. معلمان بازنشسته در ۲۶ مهر ماه برای پیگیری خواستههایشان تجمع کرده بودند و کارگران علیه لایحه اصلاح قانون کار" و با خواست خارج شدن آن از دستور مجلس. علاوه بر این دو اتفاق مهم، روز ۲۷ مهرماه معلمان بعد از سالها مبارزه و تلاش توانستند، مجمع عمومی کانون صنفی را برگزار کنند و این نیز به نوبه خود اتفاق مهمی در مبارزات معلمان بود و راه نشان میداد. همچنین کارزار علیه احکام امنیتی علیه کارگران، معلمان و مردم معترض و تأیید ۶ سال حکم زندان برای اسماعیل عبیدی همچنان در جریان است. و این در حالیست که اعتراضات کارگری علیه تعویق پرداخت دستمزدها، بیکارسازها و تعرضات دولت و صاحبان کار به زندگی و معیشتشان هر روزه است. نگاهی به این اتفاقات فضای پر تپش جنبش کارگری، صف متحد کارگران و معلمان که هر چه روز بیشتر با خواستهایی مشترک در مبارزاتشان کنار یکدیگر قرار میگیرند، را به روشنی مبینیم.

کارگران علیه لایحه "اصلاح قانون کار"

صبح روز ۲۷ مهر جمع هایی از کارگران با هماهنگی اتحادیه آزاد کارگران ایران در اعتراض به لایحه "اصلاح قانون کار" و قانونی کردن بردگی بیشتر کارگران در مقابل مجلس جمع شدند.

اولین روز بررسی قانون کار در کمیسیون اجتماعی مجلس بود و در این تجمع کارگران با شعار های کمیسیون اجتماعی لایحه را پس

بده؛ اصلاح قانون کار به نفع سرمایه دار؛ لایحه این دولت، بردگی کارگر؛ دولتیان بدانند، کارگر ارزون نمیشه؛ کارفرمایان بدانند کارگر خاموش نمیشه؛ معیشت، منزلت، حق مسلم ماست؛ امید کارفرمایان، کارگر خاموشه، تدبیر دولتمردان، کارگر ارزونه؛ اعتراض خود را به این لایحه اعلام داشتند. تجمع کنندگان همچون بنرهایی با شعارهایی چون اتهامات امنیتی باید از پرونده های فعالین صنفی خارج شود، لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار يك بازگشت به عقب بی سابقه و تشبیت و گسترش بردگی محض ما کارگران ایران است، با تصویب لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار در مدت کوتاهی صدها هزار کارگر بصورت دسته جمعی اخراج خواهند شد و حق اعتراض از کارگران برای اخراج سازها سلب خواهد شد، قانون کار فعلی عامل رواج قراردادهای موقت و بی حقوقی ما کارگران است اعتراض خود را به لایحه قانون کار و به کلیت قانون کار ضد کارگری اعلام داشتند. در این تجمع همچنین قطعنامه کارگران علیه لایحه "اصلاح قانون کار" و خواستهای کارگران خوانده شد.

جالب اینجاست که تجمع کنندگان اعلام کرده بودند که بدون حضور رئیس کمیسیون اجتماعی به تجمع خود پایان نخواهند داد. و با این فشار موفق شدند پروین محمندی و ناهید خداجو از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران و اشرف بنایی از سوی پرسنل بیمارستان را به عنوان نمایندگانشان به داخل مجلس بفرستند. این نمایندگان با خدادادی رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس و تقی زاده نماینده پارلمانی وزارت کار در مجلس به مذاکره نشستند و با توضیح مواد ضد کارگری لایحه "اصلاح قانون کار" خواستار عودت آن به دولت شدند. مجلسیان ضمن اعلام اینکه مجلس قانونا نمیتواند لایحه دولت را از دستور خارج کند، با تأیید صحبت های نماینده های کارگران بر احتمال برگشت این لایحه پس از بررسی اولیه تأکید کردند. در

ادامه این مذاکرات آنها به جلسه کمیسیون دعوت شدند. در آنجا پروین محمندی سخنرانی پرشوری کرد و چنین گفت: "قانون کار در هر کشوری نماینده بربریت یا مدنیت در آن کشور است. شرایط کار کارگران و سهم آنان از زندگی در شرایط حاضر با وجود ۱۱ میلیون حاشیه نشین، میلیونها بیکار، اخراج سازهای گسترده، دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و ماهها عدم پرداخت همین دستمزدها بیانگر بربریت موجود در این جامعه است آنوقت شما با تصویب این لایحه درصدد رسمیت بخشیدن و تعمیق و گسترش این بردگی و بربریت هستید". وی در ادامه این سخنان اظهار داشت: "شما تصور نکنید که اینجا آرام نشستید و میتوانید سنلی را به تصویب برسانید که طبق آن میلیونها خانواده کارگری به قهقرا و مرگ رانده بشوند و آنوقت آنان ساکت بنشینند" و در آخر خواستار عودت فوری این لایحه به دولت شد. در این حرکت اعتراضی کارگران برخواستهایی فوری ای چون لغو قراردادهای موقت کاری، حق پربایی تشکلهای مستقل کارگری، تضمین امنیت شغلی، خارج کردن اتهامات امنیتی از روی پرونده های فعالین صنفی و داشتن يك زندگی انسانی تأکید کردند. پروین محمندی در این جلسه برآستی نه تنها از سوی جمعی که در این تجمع داشتند، بلکه فریاد اعتراض کل کارگران علیه سیاستهای اقتصادی حکومت اسلامی و زندگی زیر فقر و محرومیت از داشتن يك زندگی انسانی بود.

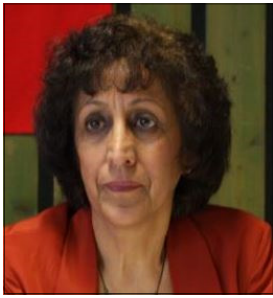
لایحه "اصلاح قانون کار" لایحه ضد کارگری تر کردن قانون کار موجود و تحمیل فقر، بیکاری، گرسنگی و بیحقوقی و بردگی بیشتر به کارگران است. "اصلاحات" پیشنهادی در این لایحه در جهت انجماد و کاهش بیشتر سطح دستمزدها و راندن کارگران به فقر و فلاکت بیشتر، تام الاختیار کردن کمیته های انضباطی در محیط های کار و قرار دادن چماق اخراج بر روی سر کارگر و

تشدید ریاضت اقتصادی همراه با امنیتی کردن محیط های کار است. لایحه اصلاح قانون کار، چاره اندیشی ای از سوی دولت برای اقتصاد به بن بست رسیده و بیمارار است. این لایحه در میان کارگران با موجی از اعتراض روبرو شده است و انعکاس آنرا در گزارش اولین جلسه کمیسیون اجتماعی و فشار گفتمان کنار گذاشتن لایحه از دستور کار مجلس را به روشنی مبینیم. به گونه ای که در پایان جلسه اولین جلسه کمیسیون بر سر این موضوع، مسئله تصمیم گیری درباره ادامه یا توقف جلسات بررسی لایحه اصلاح قانون کار به اعضای کمیسیون اجتماعی محول شده است. در این میان شوراهاى اسلامی و دارودسته هایشان که در لایحه پیشنهادی دولت زیرآب شان زده شده است، با سینه زدن زیر پرچم قانون کار ضد کارگری موجود میکوشند، اعتراضات کارگران را دستمایه ای برای حفظ موقعیتشان کنند.

با اعتراض و مبارزه ای سراسری لایحه ضد کارگری "اصلاح قانون کار" را عقب زنیم و اکنون که بحث بر سر قانون کار داغ است، با خواست های پایه ای و اساسی خود خواستار جارو شدن کلیت قانون کار و این بساط توحش و بردگی شویم.

۲۶ مهر: تجمع معلمان بازنشسته برای پیگیری خواستههایشان

روز ۲۶ مهر ماه بنا به قرار قبلی بیش از ۷۰۰ نفر از معلمان بازنشسته در تهران در مقابل



سازمان برنامه و بودجه جمع شدند. در این تجمع اعتراضی معلمان بازنشسته از شهرهای استان مرکزی و مازندران و از آبادان، اراک، مشهد و لرستان شرکت داشتند. شعارهایی چون، خط فقر سه میلیون و نیم حقوق ما يك میلیون؛ بیمه رایگان برای بازنشستگان؛ اگر صندوق خالیه، این همه اختلاس چیه؛ اگر صندوق خالیه، اینهمه دزدی چیه؛ ما با این حقوق از همان بازاری خرید میکنیم، که مدیران با حقوق نجومی؛ معلم بیدار است از تبعیض بیزار است؛ اگر ما نبودیم، تو اون بالا نبود؛ مشکل ما حل نشه دوباره بر میگرددیم، مشکل ما حل نشه به زودی بر میگرددیم؛ اگر من نبودم، تو وزیر نبودی؛ اگر من نبودم تو پشت میز نبودی؛ حقوق ما ربالیه، خرج ما دلاره؛ نوبخت یا پایین؛ عدالت، عدالت، نوبخت خجالت؛ معیشت، منزلت، حق مسلم ماست، زندگی شرافتمندانه حق مسلم ماست، از جمله شعارهایی بود که معلمان فریاد میزدند و در بنرهایی که در دست داشتند، نوشته شده بود.

در این حرکت اعتراضی معلمان معترض مهدوی معاون نوبخت را هنگامیکه اعلام داشت که حقوق بازنشستگان ارتباطی با سازمان مدیریت و برنامه ریزی ندارد، و مهمترین کار روحانی کاهش تورم بوده، او را هو و سخنانش را قطع کردند. تا جاییکه نوبخت معاون روحانی معلمان را به صحبت در داخل سالن مدیریت و برنامه دعوت کرد. معلمان بصورت مارش وارد سالن شدند و وقتی او شروع به تکرار حرفهای کلی و بی سر و ته همیشگی کرد، به خشم آمده و تریبون را بدست خود گرفتند و اعتراضشان را بیان کردند. تا جاییکه نوبخت ناگزیر شد، با ظاهری مظلومانه با وعده و وعید فضا را

حمله به موصل و اهمیت و پیامدهای آن

از صفحه ۳

جنگی که بین نیروهای اسلامی شیعه و سنی در گرفته است، جنگی که داعش در سوریه درگیر آنست این فاکتورها همه هم اکنون در منطقه وجود دارد. فرق بین شرایط امروز و شرایط پس از شکست داعش این است که مردم موصل دیگر در جهنمی که دو سال تجربه کرده اند نخواهند بود. ممکن است نیروهای اسلامی دیگری جلو بیایند. ممکن است حتی درگیری بین ترکیه و دولت عراق بالا بگیرد. ولی این امر تازه ای نیست. چنین شرایطی امروز هم هست. منطقه دارد در آتش این درگیریها میسوزد و بر متن و در دل این شرایط بیش از یک میلیون نفر در یک شهر زیر دست وحشی ترین نیروئی که تاریخ معاصر دنیا بخود دیده است دارند هر روز یک جهنم را تجربه میکنند. ختم این شرایط جهنمی بوسیله هر نیروئی تحول مثبتی است.

از نظر سیاسی هم همانطور که گفتم باز پس گیری موصل ضربه مهلکی خواهد بود به یکی از جانی ترین نیروهای اسلامی. به نظر من داعش بعد از از دست دادن موصل نه تنها موقعیت قبلی را نخواهد داشت بلکه به سرعت تبدیل خواهد شد به نیروئی که حداکثر عملیات ایدئاتی تروریستی انجام میدهد مثل القاعده و بقیه نیروهای اسلامی. مهم اینست که پرچم دولت اسلامی میشوند و به کنار زده میشود. گرچه نیروهای حمله کننده به موصل هم اهداف ارتجاعی ای دارند ولی شما امروز نظر هر کسی که در موصل زیر سلطه جهنمی داعش زندگی میکند را درباره حمله این نیروها برای اخراج داعش از شهر پرسیید این اقدام آنها را تأیید خواهد کرد. اینکه بعدا چه خواهد شد مساله ای است که بعدا باید به آن برخورد کرد. هیچکس نمیتواند بگوید بگذار داعش در موصل به جنایاتش ادامه بدهد چون بقیه هم ارتجاعی هستند! این منطق معنائی ندارد.

اجازه بدهید به یک نکته دیگر هم اشاره کنم. این درست است که سیاستهای دولت آمریکا و سایر دول غربی باعث شد نیروهای

موصل بیرون رفت فضای امن تری در منطقه دنیا ایجاد بشود و وضعیت بهتری بوجود بیاید.

حمید تقوایی: این امر و اینکه مردم چطور میتوانند رها بشوند و میتوانند واقعا شر این نیروها را از سرشان کم کنند امر خود مردم است. این را با دیپلماسی و جنگ و تناسب قوا بین دولتهای منطقه و یا غرب و روسیه و آمریکا و غیره نمیتوان بدست آورد. تا وقتی کار بدست این دولتها و نیروها است و اینها دارند به سیاست منطقه شکل میدهند و وارد بلوکبندیهای مختلف میشوند و این از یک دسته از نیروهای اسلامی حمایت میکند و دیگری از دسته دیگر، وضع از این بهتر نمیشود و حتی بدتر هم خواهد شد. بنابراین راه حل در نهایت این نیست که ببینیم چه ائتلافی بالای سر مردم شکل بگیرد و یا آیا روسیه پیروز بشود بهترست و یا آمریکا و یا اسد بماند بهترست یا برود و غیره. راه حل نهائی اینها نیست. در این چهارچوب وقتی رهائی موصل از دست داعش را یک امر مثبت میدانیم این در مقایسه با وضعیت امروز است و نه به این معنی که مردم موصل رها میشوند و یا دست مذهب از حتی موصل قطع میشود. نیروهای اسلامی دیگری جلو می آیند و بقول شما این تعادل قوا و این مناسبات ممکن است داعشهای دیگری خلق کند. همه اینها ممکن است. در مقابل این شرایط راه حل نهایتا شکل گرفتن و فعال شدن جنبشهای مترقی و چپ و آزادیخواهانه ای هست که توده مردم در آن نقش ایفا کنند. نمونه این جنبشها را خوشبختانه مشاهده میکنیم. در همین عراق در سال گذشته حرکت نسبتا وسیعی شکل گرفت با شعار نه شیعه نه سنی و با خواست جامعه مدنی و حکومت سکولاریستی. این شعار در خیابانها وسعا داده شد. یا در کردستان عراق جنبش وسیعی شکل گرفته است برای خلاصی از شر نیروهای ناسیونالیست حاکم بر کردستان و نیروهای دولت اقلیمی که یک دستشان هم در دست دولتهای ارتجاعی است، بخشی به دولت ترکیه نزدیکند و بخشی به جمهوری اسلامی. مردم کردستان

عراق بلند شده اند و میگویند اینها را نمیخواهیم. یا تحولاتی که در کردستان سوریه رخ داده است. کانتونهای این منطقه و نقشی که مردم کوبانی در عقب راندن همین داعش ایفا کردند و بیانیه و قوانین مترقی که از جمله در رابطه با حقوق زنان و نفی قوانین اسلامی در این رابطه در کانتون جزیره اعلام شد. یا نمونه افغانستان که زنان علیه قوانین ضد زن و تبعیضات جنسی بلند شده اند. و ایران هم که جای خود دارد. جنبش وسیعی علیه اسلام و اسلامیت و علیه جمهوری اسلامی مدتهاست در ایران شکل گرفته و در جریان است. این حرکتها جرقه ها و روزنه های امید بخشی است بسوی آینده، بسوی رهائی و آزادی. نیروهای سیاسی مثل حزب کمونیست کارگری و نیروهای مترقی و انقلابی ای که میخواهند به این شرایط خاتمه بدهند باید روی این جنبشها و حرکتهای اعتراضی مردم حساب کنند و آنرا سازمان دهند. از سوی دیگر در سطح جهانی بسیج مردم شریف دنیا و افکار عمومی دنیا و بسیج نیروهای مترقی و چپ و سکولار و آزادیخواه دنیا در حمایت از مردم کشورهای اسلامزده و در اعتراض به سیاستهایی که دولتهای غربی به پیش میبرند و باعث شکل گرفتن جانورانی مثل داعش و کل نیروهای اسلامی شده اند این هم یک فاکتور مهم است. چه در سطح منطقه و در خود عراق و کشورهای اسلامزده و چه در سطح جهانی باید روی نیروهایی آزادیخواه و مترقی و خواهان رفاه و برابری، که میشود گفت اکثریت قریب به اتفاق مردم جهان - با اصطلاح نود و نه درصدیها- اینطورند، حساب کرد و آنرا بسیج کرد و سازمان داد. باید در مقابل دولتها و نیروهای اسلامی و حامیانشان این نیرو به میدان بیاید. میدانید که دول غربی دولتها و نیروهای اسلامی را به خوب و بد تقسیم میکنند و مثلا دولتی نظیر دولت عربستان سعودی که در سیاستهای داخلی اش دست کمی از داعش ندارد از نظر آمریکا و دول غربی جزء نیروهای اسلامی "معتدل" محسوب میشود! این نوع مفاشات با نیروهای اسلامی را باید مردم دنیا قبول نکنند و در

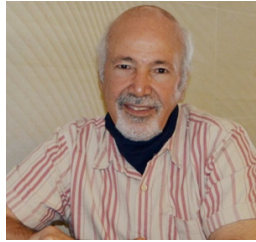
مقابلش بایستند. نیروهای اسلامی خوب و بد ندارند. باید شر همه آنها را از سر مردم کم کرد. در رابطه با وضعیت امروز عراق هم به نظر من فعال شدن این نیروها و جنبشهای مترقی تعیین کننده است و من امیدوارم که با رهائی موصل از دست داعش و تضعیف داعش این جنبش سکولاریستی و ضد اسلامی فرجه بهتری برای پیشروی پیدا کند. هر ضربه ای که ارتجاع بخورد، حتی اگر ارتجاعیون خودشان بخودشان ضربه بزنند، به نفع مردم و نیروهای انقلابی است - مثل زمانیکه دولت تزاری روسیه در جنگ جهانی اول ضعیف شد و زمینه انقلاب اکتبر فراهم شد. امروز هم در جنگ بین ارتجاعیون فرجه ای باز میشود برای اینکه نیروهای چپ و مترقی جلو بیایند و من امیدوارم با ضربه خوردن داعش در موصل این امکان باز شود و بتوانند نیروهای چپ و مترقی بیشتر عرض اندام کنند.

کاظم نیکخواه: شما اشاره کردید به اهداف دولتها و نیروهای که میخواهند با این حمله داعش را به عقب برانند. مثل دولت آمریکا و ترکیه و جراتان ناسیونالیستی و اسلامی. بعضی جریانات سیاسی هستند که با استناد به همین حمله به موصل را محکوم میکنند. نظرتان در ان رابطه چیست؟

حمید تقوایی: به نظر من کسی که حمله به موصل را محکوم میکند جزء فرقه های حاشیه ای هست که خودشان را "ضد امپریالیست" مینامند و محور شاخص سیاسی شان ضدیت با آمریکا است، شبیه ضد آمریکائی گری جمهوری اسلامی. آنها که در این موضع خیلی منسجم و پیگیر هستند در نهایت، مثل سازمان اس. دبلیو. پی. در انگلیس، میرسد به حمایت از حسن نصرالله و یا حمایت از احمدی نژاد و بارها شاهد چنین موضعگیریهایی از جانب این "ضد امپریالیستها" بوده ایم. به نظر من ریشه های این موضعگیری اینان در مورد حمله اخیر به موصل نزدیکی شان به ضد آمریکائی گری نیروهای اسلامی است. شما نظر هر آدم عادی ای در

موصل: داستان قرن وارونه ما

کاظم نیکخواه



خوشحال کننده ای برای همه است. آیا این شروع پایان یکه تازی دشمنان علم و انسانیت است؟ آیا پایان میداننداری داعش و بدنبال آن پایان امثال بوکوحرام و القاعده و طالبان و جمهوری خمینی و کل ارتجاع اسلامی و مذهبی را در این قرن خواهیم دید؟ آیا میتوان امیدوار بود که بشریت در این قرن نفس راحتی بکشد؟

نیروهایی که اکنون حمله به موصل را آغاز کرده اند خود از خالقین و حامیان داعش بوده اند. از دولت قومی مذهبی عراق گرفته، تا دولت آمریکا تا ترکیه و متحدینش، در رقابتهایشان داعش و یک مشت دستجات آدمکش قومی و اسلامی دیگر را ایجاد کردند و به جان مردم انداختند. و اکنون نیز در دل جنگی که برای آزادی موصل شروع شده، جنگها و کشاکشهای دیگری میان همین نیروها دارد پرورده میشود. ترکیه با دولت عراق کشاکش و اختلاف دارد و حاضر نیست نیروهایش را از عراق بیرون ببرد. جمهوری اسلامی هم با بر پا کردن دستجات مزدور و مرتجع حوزه های نفوذ خود را در عراق پیدا کرده است و با عربستان و ترکیه و آمریکا سر جنگ دارد. آمریکا و عربستان و بارزانی نیز هر کدام به سهم خود نقشی در پروراندن کشاکشهای بعدی دارند. از این نظر گرچه شکست احتمالی داعش امید بخش و بسیار مثبت است، اما امید پندانی به آرامش و زندگی امن برای مردم در چشم انداز نزدیک نمیتوان داشت.

اگر امیدی به بهبود باشد، این امید از نیروی مردمی می آید که با دست خالی در دل بغداد فریاد زدند "نه قومی، نه دینی، مدنی". این امید از بهم پیوستن صفوف مردمی می تواند تحقق پیدا کند که در خیابانهای پاریس

موصل چند روز است که از چهارطرف مورد هجوم نیروهای ائتلاف ضد داعش قرار گرفته است. این شهر که زمانی حدود سه میلیون نفر جمعیت داشت، به مرکز و پایتخت خبیث ترین و بیرحم ترین نیروی اسلامی و متحجر قرن تبدیل شد. این شهر صحنه های فجیعی را به چشم دید. از سر بریدن در ملاء عام، تا از پرتاب از ساختمان و سوزاندن در قفس و به بردگی گرفتن زنان و دختران و بسیاری از وحشی گری ها که بازگویی آنها نیز حال انسان را بهم میزند.

موصل داستان قرن وارونه ماست. قرنی که قرن جهش های عظیم علمی در فضا، در تکنولوژی، در اینترنت، در ارتباطات، در پزشکی و در تولید و در همه زمینه هاست. قرنی که میتوانست با رفاه بیشتر برای همه، با خنده بستر بر لبهای همه کودکان، با شادی و امید آینده بهتر برای همگان شروع شود. اما موصل در دست داعش یعنی جرمه و سبیل بیشترین ارتجاع و تحجر و عقب ماندگی و بیرحمی و ضدیت با نفس انسانیت و منطق انسانی، دنیای دیگری را نمایندگی کرد. تباهی و ناامنی و عقبگرد و ضدیت با منطق انسانی. و موصل تنها نبود و نیست. چند سال است که دنیا در کابوس جنگ و تروریسم و وحشیگری خواب و آرام ندارد. یکه تازی گرگان دینی، در سوریه، در آفریقا و حتی در پاریس و مادرید و لندن و شهرهای دیگر جان بسیاری از انسانهای بیگناه را گرفت و یا به تلخی همیشگی کشاند.

اکنون میگویند موصل به زودی آزاد میشود. میگویند به زودی داعشی ها از این شهر بیرون رانده میشوند. این خبر

بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد لایحه اصلاح قانون کار:

اصلاحیه قانون کار باید به زباله دان انداخته شود

اسلامی از طرح قانون کار دیگری است که بر اساس "باب الاجاره" نوشته شده بود و حتی اسم کارگر را برسمیت نمیشناخت و با موجی از اعتراض مواجه شد و پس گرفته شد. لایحه اصلاحیه حکومت روحانی تلاشی است برای پس گرفتن همین عقب نشینی ها با این هدف که شاید بتواند شکستهای این حکومت و بحران اقتصادی مزمن آنرا سد کند. دولت روحانی میخواهد با این اصلاحیه با وارد کردن مواد و تغییراتی، دست کارفرمایان را در لغو قراردادهای کار و اخراج کارگران کاملاً باز بگذارد، دستمزد کارگران را در همین حد ناچیز نگه دارد و به هر بهانه ای مانع افزایش آن شود، و کلاً به کارفرمایان برای کار برده وار کشیدن از کرده کارگران چک سفید بدهد.

در این میان هستند جریاناتی که میخواهند در برابر لایحه اصلاحیه اخیر قانون کار، کارگران را به دفاع از قانون کار کنونی بکشانند. این خط و سیاستی است که خانه کارگرها و شوراهای اسلامی و جریانات توده ایستی آنرا تبلیغ میکنند. منطقی که مطرح میکنند ظاهراً ساده است! میگویند دولت میخواهد اصلاحاتی ضد کارگری در قانون کنونی وارد کند و کارگران در برابر آن باید از قانون کار موجود دفاع کنند! این يك فریبکاری تمام عیار است. کارگر را میخواهند به جنگی بکشانند که برنده هر دوسوی آن جمهوری اسلامی است. چه کارگران پشت قانون کار کنونی بروند و چه لایحه اصلاحیه قانون کار به اجرا گذاشته شود، برنده در هر دو صورت حکومت اسلامی و کارفرمایان هستند.

کارگران علیه لایحه ضد کارگری قانون کار، و علیه قانون کار حکومت هستند و از حقوق اساسی

دولت روحانی لایحه اصلاح قانون کارش را به مجلس اسلامی داده است تا به تصویب برسد. این لایحه میراث دولت احمدی نژاد است که قرار بود در کنار قطع سوسیپدها و یازانه ها ریاضت اقتصادی شدیدتری را به کارگران و مردم وارد کند و با وارد کردن "شوک مصرفی" به جامعه، اقتصاد در گل نشسته حکومت اسلامی را به حرکت وادارد. جمهوری اسلامی در دوره احمدی نژاد با فضای اعتراض و مقاومت مردم و کارگران مواجه شد و بناچار اصلاحیه کذایی قانون کارش را نیمه کاره بایگانی کرد. اکنون این دولت روحانی است که با همان معضل در گل ماندن اقتصاد در ابعادی شدیدتر و وسیعتر مواجه است و میخواهد با تحمیل بی حقوقی بیشتر به کارگران و تحمیل شرایط برده وار و فقر و بیکاری و گرسنگی بیشتر و شدیدتر به کارگران، چاره ای برای اقتصادش بیندیشد. اما میداند که کارگران در برابر این تعرض کثیف ساکت نخواهند نشست و به همین جهت از هم اکنون زمزمه پس گرفتن این اصلاحیه در صفوف خود حکومتی ها شنیده میشود. اما نباید به این زمزمه ها دلخوش کرد. عقب نشینی روشن و صریح از این اصلاحیه ضد کارگری و تک تک بندهای آن و نه تغییرات نیم بند در آنرا باید با اعتراض و مبارزه به حکومت تحمیل کرد.

قانون کار جمهوری اسلامی يك قانون ضد کارگری است و اصلاحیه اخیر قرار است آنرا ضد کارگری تر کند. قانون کار موجود با محوریت شرع و قوانین اسلامی و رسمیت بسیج و نهادهای اسلامی نوشته شده و در آن کارگران از هر حق پایه ای مثل حق تشکل و حق اعتصاب و حقوق ابتدایی دیگر محروم شده اند. این قانون همه میدانند که خود حاصل عقب نشینی جمهوری

در صفوفی چندین میلیونی به حرکت در آمدند و علیه ارتجاع و ترور و توحش شعار دادند و از شارلی ابدو و قربانیان تروریسم دفاع کردند. از این نمونه ها نیز در این اوایل قرن کم نداشته ایم.

قرن ما میتواند قرن خوبی باشد. میتواند واقعا قرن فتح قتل تازه تحول و بهبود در زندگی انسانها باشد. حقیقتا دوره کنونی دوره مذهب و قومپرستی و ارتجاع و عقب گرد نیست. اگر وحشی ترین جناحها و جنبشهای مذهبی بی خیال نفرت مردم، دست به توحش میزنند، از این روست که دیگر مردم را عملاً از دست داده اند. خود را در حال اضمحلال و مرگ می بینند. پول و اسلحه ای از دولت های امثال عربستان و ترکیه و جمهوری اسلامی میگیرند و چند صباحی یکه تازی میکنند. اینها باید بروند و خواهند رفت. تمام کردن هرچه سریعتر این کابوس و توحش لازمه اش اینست که ما مردم محکمتر از همان چیزهایی که اینها میخواهند نابود کنند دفاع کنیم. یعنی از منطق انسانی و رفاه و آزادی و منزلت و اختیار. امید قرن ما میل سوزان اکثریت مردم به همین چیزها و شکل گرفتن اتحادها و جنبشهای گسترده در این راستاست. موصل نه بزودی اما در آینده ای نه چندان دور از دست داعش خلاص میشود. و باید از این رویداد خوشحال بود. اما بدون هیچ توهمی باید این را ببینیم و بدانیم که جنگ ما با آزاد کنندگان موصل خیلی زود شروع میشود و باید شروع شود.

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

کارگران در هفته ای که گذشت

از صفحه ۶

آرام کند. حرف آخر معلمان بازنشسته این بود که اگر جواب نگیرند، دوباره جمع شده و پیگیری خواستهایشان خواهند شد.

در این روز معلمان بازنشسته فقط نامه ای را که قبلا در تجمع ششم مهرماه خود داده بودند، قرائت کردند که از جمله خواستهای مهم آن افزایش دستمزدها به بالای خط فقر، پرداخت طلبهای آنان و پایان دادن به امنیتی کردن آموزش و پرورش و لغو پرونده های امنیتی تشکیل شده برای معلمان چون اسماعیل عیبی، محمود بهشتی، علی اکبر باغانی است. طرح این خواستها بطور واقعی دفاع از حق تشکل، حق اعتصاب و آزادی های پایه ای در جامعه است. معلمان بازنشسته در اعتراضاتشان علیه وضع نابسامان آموزش و پرورش، خصوصی شدن مدارس، نا امن بودن مدارس و پایین بودن استاندارد آموزشی سخن گفته و در پلاکارد هایشان با شعارهایی علیه حقوقهای نجومی صدای اعتراض جامعه را به تبعیض و نابرابری و فقر و فلاکت حاکم نمایندگی کردند. روز ۲۶ مهر علاوه بر تهران در شهرهای دیگری هم چون یزد، مشهد، و

اصفهان نیز تجمع داشتند.

شعارهای معلمان بازنشسته در اعتراضاتشان، پلاتفرم مبارزاتی آنان برای تداوم پیگیری خواستها و مطالباتشان است. خواستهای معلمان بازنشسته، خواستهای تمامی معلمان، خواستهای همه کارگران و مردم جامعه است. وسیعاً از اعتراضات و خواستهایشان حمایت کنیم. نکته مهم و قابل تاکید در اعتراضات معلمان اتحاد معلمان بازنشسته و شاغل، اتحاد معلمان و کارگران و حمایت وسیع اجتماعی از این مبارزات است.

مجمع عمومی کانون صنفی معلمان تهران برگزار شد

معلمان سرانجام بعد از سالها اعتراض و مبارزه موفق به برگزاری مجمع عمومی کانون های صنفی خود شدند. طی یکماه اخیر کانون های صنفی در شهرهای مختلف مجمع عمومی شان را بر پا کردند و در آن هیات مدیره جدیدشان را برگزیدند. روز ۲۷ مهر مجمع عمومی کانون صنفی معلمان در تهران برگزار شد. تن دادن حکومت اسلامی به برپایی

مجمع عمومی کانون های صنفی معلمان، به معنای به رسمیت شناختن این کانون است. معلمان این را با مبارزاتشان قدرتمندشان توانستند به جمهوری اسلامی تحمیل کنند و قدم مهمی در متحد ماندن صفوف مبارزات و متشکل تر شدنشان است.

به رسمیت شناختن کانون صنفی به عنوان تشکل معلمان، یک اتفاق سیاسی مهم و یک دستاورد بزرگ برای معلمان و کل جامعه است. این اتفاق در مقابل همه کارگران و بخش های جامعه راه نشان داد. در مقابل سندیکای شرکت واحد و نیشکر هفت تپه و متکی کردن تشکلشان به مجمع عمومی کارگران و تبدیل آن به سرپناهی برای کارگران واحد و هفت تپه، راه نشان داد.

اما اینکه آیا تشکیل این مجمع عمومی معین برای کانون صنفی معلمان پایان کار است و میتواند تضمینی برای حفظ این تشکل به عنوان ظرفی برای اعمال اراده مستقیم معلمان و متحد ماندنشان باشد، ابتدا اینطور نیست. بلکه موفقیت کانون صنفی در برگزاری مجمع عمومی شان، باید شروعی برای دخالتگری بیشتر معلمان برای چگونگی پیشبرد خواستها و مبارزاتشان از طریق متکی کردن

سنی نه شیعه جامعه مدنی پخیابانها آمد.

برخی از این نیروها نیز از موضع صلح طلبی با حمله به موصل مخالفت میکنند و خواهان قطع جنگ هستند. گوئی در دو سال اخیر در موصل صلح و آرامشی برقرار بوده است! این موضع نیز عملاً بجز حفظ داعش در قدرت و رها کردن توده مردم در جهمی که داعش بوجود آورده است معنائی ندارد. در هر حال چنین موضعی به دنیای واقعی و تحولات سیاسی دنیا بی ربط است و تنها نشاندهنده ذهنی گرائی، و دوری و انزوای اتخاذ کنندگان آن از سیاست و از زندگی واقعی مردم است.

حمله به موصل و اهمیت و پیامدهای آن

از صفحه ۷

چنین شرایطی وجود ندارد و بخصوص این نیروهایی که چنین مواضع ذهنی ای میگیرند کمترین دخالت و تاثیرری را در همین جنبشها و حرکتها اعتراضی که اشاره کردم ندارند. هرکس دست اندرکار سازماندهی اعتراضات مردم باشد میدانند در موصل منهای داعش مردم و نیروهای مردمی شانس و فرصت بیشتر و بسیار مساعدتری برای اعتراض و ابراز وجود دارند تا در موصل تحت سلطه داعش. کما اینکه در سال گذشته در حالیکه ترور و ارباب در موصل بیداد میکرد در بغداد و سایر شهرهای عراق جنبش سکولاریستی پا گرفت و با شعار نه

کک مالی به حزب:

رفیق رضا

۸۰ دلار

کانون صنفی به مجمع عمومی و برپایی منظم این مجمع، مثلاً برگزاری ماهانه، و تبدیل این مجمع به محل تصمیم گیری اعضای کانون باشد. در عین حال مجمع عمومی محل گزارشدهی به اعضا است و جایی است که هرگاه افرادی از هیات مدیره کانون، در جهت خلاف تصمیمات معلمان حرکت کنند و یا ترمیزی در برابر مبارزات آنان باشند، آنها بتوانند در انتخاباتی مجدد، چنین افرادی را برکنار و به جاییشان کسانی را انتخاب کنند که مجری تصمیمات آنان باشند. بنابراین مبارزه برای تشکیل مجمع عمومی منظم کانون و رفع موانع آن، همچنان باید در دستور کار معلمان و این کانون باشد. ضمن اینکه گروههای مبارزاتی معلمان در تلگرام و مدیای اجتماعی، مکانی برای جبران دست اندازهای پیش روی تشکیل مجمع عمومی کانون و دخیل بودن توده معلمان در تصمیمات و جهت گیری های مبارزاتی آن است. در همین مدت نیز گروههای مبارزاتی چندین هزار نفره معلمان در تلگرام همین نقش مهم را ایفا کرده و امکانی برای اعمال اراده معلمان هر چه بیشتری در اعتراضاتشان بوده است.

اصلاحیه قانون کار ...

از صفحه ۸

وپایه ای خود دفاع میکنند. این را بارها و بارها کارگران در اعتصابات و اعتراضاتشان و در بیانیه های تشکلهای مستقل کارگری و در اول مه ها و بسیاری رویدادهای دیگر بوضوح اعلام کرده اند. کارگران از حق اعتصاب و حق تشکل و افزایش دستمزدها در حد زندگی انسانی دفاع میکنند و باید دفاع کنند. کارگران تشکلهای دست ساز حکومتی نظیر شوراهای اسلامی و خانه کارگر حکومت را بهیچ وجه تشکل خود نمیدانند بلکه اهرمهای توطئه گیری حکومت علیه خود میدانند.

حزب کمونیست کارگری همه کارگران را به مقابله فعال و سراسری با اصلاحیه قانون کار که توطئه ای برای تحمیل ریاضت و مشقت بیشتر به کارگران است فرا میخواند.

آخر کلام اینکه کانون صنفی معلمان مجمع عمومی خود را بر پا کرد. تاکیدات من بدنبال این اتفاق مهم رابطه ارگانیک کانون های صنفی معلمان در سطحی سراسری با یکدیگر، شکل گیری شعبات کانون در هر کجا که وجود ندارد و عضویت وسیع معلمان در این کانونهاست. برپایی منظم و روئین مجمع عمومی کانون های صنفی و دخالتگری وسیع همه اعضا در جهت گیری ها و تصمیم گیریهای آنهاست. اتحاد معلمان شاغل و معلمان بازنشسته، اتحاد معلمان و کارگران و معلمان و هم سرنوشتی آنهاست.

خواستها و مطالبات معلمان روشن است. پلاتفرم آنرا در اعتراضاتشان علیه حقوق های نجومی مدیران و دستمزدهای زیر خط فقر و با خواست افزایش فوری دستمزدها به بالای خط فقر، و خواستهای دیگری چون تحصیل رایگان، درمان رایگان و پایان دادن به امنیتی کردن آموزش و پرورش اعلام کرده اند. اینها همه خواستهای کل جامعه است، تاکید من بر اتحاد خانواده های دانش آموزان و کل مردم با معلمان برای پیشبرد قدرتمند این خواستهاست.

تغییرات و اصلاحاتی که قرار است از طریق این اصلاحیه قانونی شود، ابزارها و اهرمهایی برای سرکوب بیشتر، تحمیل دستمزدهای پایین تر به کارگران و فقر و گرسنگی بیشتر، و تحمیل شرایط سخت تر و مشقت بارتر به کارگران است. پاسخ این اصلاحیه تاکید صریح و روشن بخشهای وسیع کارگران بر حق اعتصاب و تشکل و افزایش دستمزدها بالاتر از خط فقر است. پاسخ کارگران به این تقلا و تلاش حکومت اسلامی، برپایی مجمع عمومی کارگری و تاکید بر حقوق پایه ای کارگری است. این تلاش و توطئه حکومت را باید در نطفه خفه کرد و کلیت این اصلاحیه را به زیاله دان انداخت و راه را برای تحمیل حقوق پایه ای و بین المللی کارگری به این حکومت و کنار زدن قوانین ضد کارگری هموارتر نمود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ مهر ۱۳۹۵، ۱۵ اکتبر ۲۰۱۶

کارزار علیه احکام امنیتی علیه فعالین کارگری، معلمان و مردم معترض

۱۱ سال حکم زندان برای جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد و رد درخواست اعاده دادرسی جعفر عظیم زاده

- ما تایید حکم شش سال زندان برای اسماعیل عبدی را محکوم میکنیم. و در کنار معلمان خواستار لغو اتهامات امنیتی برای اسماعیل عبدی و محمود بهشتی لنگرودی سخنگوی کانون صنفی معلمان (تهران) که به ۵ سال حبس محکوم شده، هستیم. علاوه بر اینها هم اکنون بسیاری از فعالین کارگری، معلمان، فعالین دفاع از حقوق کودک و فعالین سیاسی دیگر، از جمله محمود صالحی (۹ سال)، داود رضوی (۵ سال)، ابراهیم مددی (۵ سال و سه ماه)، علی اکبر باغانی (۱۰ سال تبعید به زابل)، آتنا دائمی فعال دفاع از حقوق کودک (۷ سال)، و موارد بیشمار دیگری از فعالین اجتماعی بخاطر مبارزاتشان با انگ های امنیتی احکام سنگین زندان و یا تبعید گرفته اند. ما خواستار لغو فوری تمامی احکام امنیتی صادره برای فعالین اجتماعی و آزادی کلیه زندانیان سیاسی هستیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۲۴ مهر ۹۵،
۱۵ اکتبر ۲۰۱۶
شهادت دانشفر
Shahjadaneshfar2@gmail.com
http://free-them-now.com

و مردم معترض است. جمهوری اسلامی عضوی از سازمان جهانی کار است و با صدور احکام امنیتی علیه فعالین کارگری بخاطر مبارزه برای حقوق پایه ای خود، آشکارا مقوله نامه های این سازمان را هر روزه زیر پا میگذارد. ما از تمامی سازمانهای کارگری و نهادهای انساندوست در سراسر جهان میخواهیم که با حمایت از خواستهای فوری زیر، با نوشتن نامه های اعتراضی به جمهوری اسلامی و به هر شکلی که میتوانند ما را در کارزار علیه احکام امنیتی حمایت کنند و حکومت اسلامی را بخاطر صدور چنین احکامی قاطعانه محکوم کنند.

خواستهای فوری ما عبارتند از:
- ۱۱ سال حکم زندان صادر شده برای جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد باید فوراً لغو شود. صدور ۱۱ سال حکم زندان برای فعالین کارگری، بخاطر مبارزاتشان و رد تقاضای اعاده دادرسی پرونده جعفر عظیم زاده را محکوم شدیداً محکوم میکنیم و خواستار مسدود شدن تمامی پرونده های تشکیل شده برای این دو فعال شناخته شده کارگری هستیم.

مدارس تاکید کردند. و اکنون نیز که حکم شش سال زندان برای اسماعیل عبدی تایید شده است کارزار معلمان در اعتراض علیه تایید حکم اسماعیل عبدی و با خواست لغو فوری حکم زندان او و محمود بهشتی و مسدود شدن پرونده تمامی معلمان که احکام قضایی دارند به راه افتاده و در جریان است.

در رابطه با رد اعاده دادرسی جعفر عظیم زاده نیز، اتحادیه آزاد کارگران ایران طی بیانیه ای بر روی ادامه کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم معترض و لغو احکام صادره برای فعالین کارگری و معلمان معترض تاکید کرده است.

همچنین بهنام ابراهیم زاده از چهره های شناخته شده کارگری، یکی از حمایت کنندگان کمپین علیه امنیتی کردن مبارزات فعالین اجتماعی و بیانیه مشترک اسماعیل عبدی و جعفر عظیم زاده اخیراً همراه با تعدادی از زندانیان سیاسی در زندان رجایی شهر بیانیه ای در اعتراض به احکام امنیتی علیه تعدادی از فعالین دفاع از حقوق کودک داده است که در آن بار دیگر بر این کارزار و خواست مشخص لغو پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری، معلمان و مردم معترض تاکید شده است.

اکنون اسماعیل عبدی، جعفر عظیم زاده، و محمود بهشتی لنگرودی بازرس و سخنگوی کانون صنفی معلمان ایران (تهران) در خطر دستگیری و اجرای حکم زندانشان هستند و بهنام ابراهیم زاده در زندان است. حمایت از این چهره های محبوب و شناخته شده کارگری، یک گام مهم در کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان

چون "اخلال در نظم و امنیت ملی"، "اجتماع و تبانی علیه نظام"، "تبلیغ علیه نظام"، "توهین به رهبری" و... محکوم به زندان شده و تحت پیگرد قرار دارند. همچنین با اتهاماتی از همین دست، در اعتراضات جاری کارگری، موارد بسیاری هست که فعالین کارگری مورد تهدید و بازداشت قرار میگیرند و برایشان پرونده های قضایی تشکیل میشود.

و اکنون نیز یک بند لایحه "اصلاح قانون کار" که جهت تصویب از سوی دولت به مجلس داده شده است، ایجاد "کمیته های انضباطی" در کارخانجات و واگذاری تصمیم گیری اخراج کارگران به این کمیته ها در صورت "تخلف کارگران" است. و این بند نیز اقدامی در جهت امنیتی کردن محیط های کار و سرکوب کارگران است.

کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم معترض، کارزاری علیه این سرکوبگرها و در دفاع از حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع، حق آزادی بیان و حق مبارزه برای داشتن یک زندگی انسانی برای کارگران و همه مردم است.

در آستانه اول مه ۲۰۱۶ جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی در بیانیه مشترکی کارزاری با خواست مشخص لغو پرونده های تشکیل شده برای کارگران، معلمان و مردم معترض با اتهامات امنیتی چون "اقدام علیه امنیت ملی و نظم کشور" اعلام داشتند و این کارزار هر روز نیروی بیشتری به خود جذب میکند.

معلمان با شروع سال تحصیلی و در دور جدید اعتراضات بر این کارزار و بر پایان دادن به امنیتی کردن

شعبه اول دادگاه ساوه در روز ۲۴ مهرماه حکم ۱۱ سال زندان را در مورد جعفر عظیم زاده رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و شاپور احسانی راد عضو دیگر هیات اجراییه این اتحادیه به محمد علی جداری وکیل آنان اعلام داشت. اتهامات جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد "اجتماع و تبانی به قصد فعالیت تبلیغی علیه جمهوری اسلامی است. بعلاوه آنها به اتهام تشویش اذهان عمومی، برهم زدن نظم عمومی و مشاوره به کارگران اعتصابی نورد و لوله صافه در شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری ۲ ساوه نیز مورد محاکمه قرار گرفته و قرار است پس از برگزاری جلسه دیگر حکم مربوطه صادر شود.

از سوی دیگر دیوان عالی تقاضای اعاده دادرسی جعفر عظیم زاده در رابطه با حکم ۶ سال زندان قبلی اش را در ۱۳ مهر ماه رد کرد.

- شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران در ۱۶ مهر ماه حکم ۶ سال زندان را برای اسماعیل عبدی دبیر کانون صنفی معلمان ایران (تهران) تایید کرد.

- بهنام ابراهیم زاده نیز علیرغم سپری کردن ۵ سال حکم زندانش، بنا بر حکم دوباره ای محکوم به هفت سال و ده ماه زندان شده است و از سال ۸۹ تا کنون همچنان در زندان است.

و این در حالیست که هم اکنون تعداد زیادی از فعالین کارگری و معلمان و مردم معترض بخاطر مبارزاتشان در دفاع از حقوق کارگر، حقوق معلم، حقوق کودک و آزادی های پایه ای چون حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع، آزادی بیان و... با احکام امنیتی

www.wpiran.org

سایت حزب:

صفحه فیس بوکی حزب
https://www.facebook.com/wpiran/

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود